

## پدیده‌ی وهابی‌گری در جمهوری آذربایجان

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و خلا ایدئولوژیک ایجاد شده، بعضی فرقه‌های مذهبی موهن شروع به تحکیم مواضع خود در جمهوری آذربایجان کردند.

سرویس آذربایجان/آران نیوز  
 آران نیوز/سرویس گزارش / جمهوری آذربایجان: بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و خلا ایدئولوژیک ایجاد شده، بعضی فرقه‌های مذهبی موهن شروع به تحکیم مواضع خود در جمهوری آذربایجان کردند. به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری ایسنا، وهابیسیم اوایل سال‌های دهه 1990 و عمدتاً در نتیجه‌ی جنگ‌های قره باغ و چچن و بواسطه‌ی مبلغان وهابی داغستانی، چچن و عرب، چچن‌های مقیم جمهوری آذربایجان و همچنین جوانان تحصیل‌کرده در عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی، به جمهوری آذربایجان نفوذ کرد. حضور شاخه‌های اسلامی بنیادگرا در منطقه، به واقعیات تازه ژئوپلیتیکی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی پدیدار شدند، برمی‌گشت. ترکیه و عربستان سعودی جهت کسب نفوذ در آذربایجان نواستقلال یافته مبارزه می‌کردند و هر یک از آن‌ها سعی می‌کردند تا نفوذ ایدئولوژیک خود را در جمهوری آذربایجان برتر سازند. وهابیسیم در جامعه‌ی لائیک جمهوری آذربایجان از لحاظ ایدئولوژیک پدیده‌ای تازه بود. بعد از کسب استقلال، علی‌رغم رستاخیز ملی و مذهبی، دین در هویت آذربایجانی‌ها عنصر اولیه نبود، و ایده‌ی تشکیل دولت اسلامی نیز هرگز در آذربایجان مورد پشتیبانی عمومی قرار نگرفته است. اما انتظار پشتیبانی مالی و سیاسی مقامات جمهوری آذربایجان از کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس در رابطه با مسأله‌ی قره باغ، فضای مناسبی را برای وهابیسیم در جمهوری آذربایجان فراهم کرد. به لطف تلاش‌های رئیس‌جمهور آذربایجان حیدر علی‌اف 1000 تا 1500 تن از مجاهدین وهابی در جنگ بر علیه قره باغ کوهستانی شرکت کردند. اوایل سال‌های دهه 1990 با حمایت عربستان سعودی دانشگاه اسلامی در باکو تأسیس شد و جمهوری آذربایجان عضو سازمان کنفرانس اسلامی گردید. در سال 1994 بعد از سفر حیدر علی‌اف به مکه همکاری با کشورهای خلیج فارس تحکیم یافت. در سال 1994 یک سری سازمان‌های اسلامی سعودی از جمله "نجات" و "دو مکان مقدس" فعالیت خود را در جمهوری آذربایجان آغاز کردند. تبلیغ وهابیسیم در جمهوری آذربایجان از مناطق شمالی هم مرز داغستان و بعد از موفقیت در محافل اقلیت‌های ملی سنی‌های مناطق از جمله لزگی‌هایی که روحیه‌ی جدایی طلبانه داشتند، آغاز گردید. بعد از سال 1995 جغرافیای وهابیسیم گسترده‌تر شد و به تدریج باکو و اطراف آن را در بر گرفت. عناصر مهم تبلیغات گسترش ادبیات وهابی و تأسیس مکاتب و مساجد دارای گرایش وهابی بودند. وهابیون که از منابع مالی قابل ملاحظه برخوردار هستند در مناطق محروم به موفقیت می‌رسیدند و بسیاری از جوانانی که امید تحصیل در وطن را نداشتند به تحصیل مذهبی در عربستان سعودی یا سایر کشورهای عربی اعزام می‌کردند. در سال 1997 در باکو، شعبه جمهوری آذربایجان سازمان کویته رستاخیر میراث اسلامی، مسجد ابوبکر را که از لحاظ بزرگی و معماری خود بی‌سابقه بود و مرکز وهابیسیم آذربایجانی محسوب می‌شود، بنا کرد. بر خلاف مساجد محلی که گنجایش 300 تن را دارند، این مسجد می‌تواند پنج هزار نفر را در خود بگنجانند. این مسجد در فرهنگ شهری لائیک باکو فضای اسلامی ایجاد کرد. اکثر سنی‌ها، قشر محروم و افراد ضد حکومت با شکل و شمایل وهابی با قیافه خاص، شلوارهای کوتاه سبک و وهابی و ریش‌های بلند به مسجد ابوبکر رفت و آمد داشتند. چینی‌ها که قبل از احداث آن به مسجد لزگی‌ها در قسمت قدیمی باکو می‌رفتند نیز به این مسجد آمدند. مسجد ابوبکر اهمیت خطبه نماز جمعه به عنوان تبلیغ مذهبی را در فرهنگ دینی آذربایجان افزایش داد. تنها در مدت کوتاهی مسجد ابوبکر معروف شد که در این میان حامد سلیمانوف، امام جماعت جوان این مسجد نقش به‌سزایی داشت. این روحانی وهابی نخست در دانشگاه اسلامی خارطوم و سپس در دانشگاه اسلامی بین‌المللی مدینه تحصیل کرده بود. بر اساس شواهد متعدد مقامات جمهوری آذربایجان، مسجد ابوبکر به پایگاه گردآوری جوانان آذربایجانی جهت اعزام به افغانستان، چچن و عراق مبدل شده بود. رفته رفته وهابیسیم در جمهوری آذربایجان به جریانی غیر قابل هدایت مبدل شد و علی‌رغم پیروان کم، خطر بی‌ثبات کردن وضعیت کشور را در بر داشت. در مساجد وهابی سخنرانی ضد دولتی حاکم شده بود و حکومت جمهوری آذربایجان به ناکامی‌های اجتماعی و سیاسی از جمله شکست در جنگ قره باغ متهم شد. سخنرانی‌های ضد دولتی منجر به فعال شدن کانون وهابی هفت الی 15 هزار نفری شد. دولت آذربایجان متوجه شد که ممکن است اسلام وهابی در عرصه‌ی داخلی و چه در محافل اقلیت‌های نژادی این کشور غیر قابل کنترل شود، به همین خاطر در سال 1995 تصمیم گرفته شد، کلیه سازمان‌ها و مساجد اسلامی از یک مرکز دینی به عنوان شورای مسلمانان قفقاز تبعیت کنند. در سال 1996 بنا به تصمیم پارلمان آذربایجان فعالیت مبلغان ممنوع شد و جوامع مذهبی محلی نیز به اجبار باید ثبت می‌شدند. در جمهوری آذربایجان شعب یک سری سازمان‌های بنیادگرای اسلامی بین‌المللی همچون حزب التحریر، تبلیغ جماعت و جیش الاسلام نیز فعالیت می‌کردند. از این رو جمهوری آذربایجان به عنوان جزئی از مبارزه علیه غرب قلمداد می‌شد و خاک جمهوری آذربایجان اغلب جهت انتقال سلاح، منابع مالی و مادی و مهاجمین به چچن مورد استفاده قرار می‌گرفت. از سال 2001 واکنش در زمینه مبارزه علیه تشکیلات اسلامی بنیادگرا اعمال فشار خود را افزایش داد و آنکارا و تهران نیز در خصوص مبارزه علیه وهابیسیم علاقمندی نشان دادند. از اواخر سال 2001 مقامات جمهوری آذربایجان بطور فعال‌تر شروع به تعقیب وهابیون نمودند که در پی آن مساجد وهابی بسته شدند و تعداد زیادی از پیروان وهابیسیم به اتهام سازماندهی عملیات تروریستی دستگیر و زندانی شدند. در نهایت علیه وهابیون افکار عمومی شکل گرفت و در این امر علاوه بر دولت، روحانیون شیعه نیز نقش خود را ایفا کردند. وهابیون "ریشو" نامیده می‌شدند و فرقی بین آنها و تروریست‌ها نبود. در سال 2002 بر اساس اعلامیه‌ی توفیق بابایف، معاون وزیر امنیت ملی جمهوری آذربایجان اعلام شد که بعضی از کشورهای عربی علاقمند به ترویج وهابیسیم بنیادگرا در جمهوری آذربایجان هستند و این امر از طریق کمک مالی به چهره‌های فعال، اعزام آنها به اردوهای ورزشی و استفاده از بنیادگرایان در عملیات تروریستی عملی می‌شود. در ماه نوامبر

سال 2005 در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی جمهوری آذربایجان مسوولین این کشور در خصوص تهدید ثبات سیاسی آذربایجان از ناحیه‌ی وهابیسیم بیشتر و بیشتر صحبت می‌کردند. این نگرانی مبتنی بر شواهد موجهی بود و یکی از این شواهد در ارتباط با ارسال 14 تن نشریه دینی به باکو به زبان های ازبکی، قزاقی، عربی، آذربایجانی و روسی برای شورای مسلمانان قفقاز از سوی کمیسیون مسلمانان کویت بود. دولت پخش این کتاب ها را ممنوع ساخت، زیرا در بسیاری از آنها وهابیسیم تبلیغ شده بود و شاخه‌های شیعه و سنی اسلام در مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند. در آستانه‌ی انتخابات، مقامات آذربایجان ادامه‌ی فعالیت مذهبی شخصیت‌های دینی را ممنوع کرد و مقامات سعی می‌کردند در آستانه‌ی انتخابات با ایجاد جو ترس نسبت به اسلام بنیادگرا علاقه‌ی مردم را به خود جلب نمایند. به تاکید مخالفان، باکو با بزرگ کردن ابعاد خطرات وهابیسیم همزمان سعی می‌کرد با استدلال مبارزه علیه تروریسم از غرب منابع مالی دریافت نماید. با این حال اقدامات دولت در زمینه‌ی امنیت ملی ثمربخش بود و سرویس‌های امنیتی ویژه جمهوری آذربایجان موفق شدند بطور کلی بر فعالیت مساجد بنیادگرای وهابی و ساختارهای شبکه‌ی بنیادگرای مذهبی- سیاسی اسلامی نظارت کنند. در فوریه سال 2007 هدایت اروجوف، رئیس کمیته‌ی دولتی در امور ساختارهای دینی اعلام کرد که در جمهوری آذربایجان وهابیسیم وجود دارد، اما دیگر امنیت کشور را تهدید نمی‌کند. در حال حاضر امام حامد سلیمانوف در بحث و بررسی‌های سیاسی شرکت نمی‌کند بلکه به سخنرانی در مورد وهابیسیم که یکی از اجزای اصلی آن تبلیغات ضد غربی و ضد آمریکایی می‌باشد، اکتفا کرده است. با این حال به دلیل مسائل اجتماعی موجود در جامعه‌ی جمهوری آذربایجان و افت ارزش‌های اخلاقی، عوامل وهابی بار دیگر فعال شده‌اند اما وهابیسیم نسبت به شیعه و بخصوص اسلام مردمی که در آذربایجان پایه‌ی محکمی دارند، به شدت آسیب پذیر است. انتهای پیام.